یادداشت روز

به غارتگر لبخند نزنید!

۱- «کامالا هریس» سیاســـتمدار آمریکایی- ۱۳ تیر ۱۳۹۸- در یک کمپین انتخاباتی در ایالت آیووای آمریکا گفت:«من یغماگران را می‌شناسم و ما یک غارتگر داریم که در کاخ سفید زندگی می‌کند. ترامپ خلق و خوی یغماگرایانه و دارای غریزه غارتگری است. افراد غارتگر آنهائی را که آسیب‌پذیر هستند، شکار می‌کنند. آنهائی را شکار می‌کنند که باوری به قدرت و زور خود ندارند.»

هرچند این سیاســـتمدار دموکرات آمریکایی به دلیل رقابت‌های انتخاباتی، صرفا ترامپ را غارتگر می‌نامد، اما حقیقت این است که غارتگری و چپاول منابع و سرمایه‌های دیگر کشورها در DNA سیاستمداران آمریکایی است. چه آنکه در مقطعی که «کامالا هریس» در دولت بایدن، معاون رئیس‌جمهور بود نیز، غارتگری و چپاول دیگر کشورها از سوی کاخ سفید کما فی السابق انجام می‌شد.

همین روحیه غارتگرانه است که از آمریکای قرن نوزدهم تا قرن بیست و یکم، یک مسیر پیوسته را نشان می‌دهد: کنترل منابع، سلطه اقتصادی، تحمیل قراردادهای نابرابر و تبدیل کشورها به بازار مصرفی و مزرعه سرمایه برای واشنگتن. در حقیقت «غارتگری»، نه ویژگی شخصی یک رئیس‌جمهور، بلکه جوهره سیاست خارجی آمریکاست.

۲- اما آنچه خطرناک‌تر از ذات غارتگرانه آمریکا است، شیفتگی جریان غربگرای داخلی به این غارتگر است. به این اظهارنظرها توجه کنید:

- «فیاض زاهد» (عضو شـــورای اطلاع‌رسانی دولت- فروردین ۱۴۰۴): آنچه باعث تقویت دیپلماسی سیاسی شد تاکید بر راهبرد دیپلماسی اقتصادی بود. پیشنهاد جامعی بالغ بر هزار میلیارد دلار به آمریکا ارائه و توپ به چرخش درآمد. در آینده جزئیات بیشتری ارائه می‌شود. ایران بهشت سرمایه‌گذاری است.»

- «الیاس حضرتی» (رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت- فروردین ۱۴۰۴): «ما ۲ هزار میلیارد دلار پروژه در کشور تعریف کردیم و می‌خواهیم مذاکره کنیم تا امکان ورود سرمایه‌گذاران به داخل کشور را تسهیل کنیم.»

- «حسین مرعشی» (دبیرکل حزب کارگزاران- فروردین ۱۴۰۴):«ایران ۲۵۰۰ میلیارد دلار پروژه برای مذاکره با آمریکا دارد؛ این را به عراقچی هم گفتم که برود درباره این عدد بزرگ با آمریکایی‌ها مذاکره کند.»

این قبیل اظهارات تأمل برانگیز و البته تأسف‌برانگیز، در حالی است که عبرت‌های مهمی در این خصوص در مقابل چشمان ماست.

۳- «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در روزهای گذشته گفت:«کره جنوبی موافقت کرده اســـت که در ازای کاهش تعرفه‌های اعمال شده بر آن، ۳۵۰ میلیارد دلار به ایالات متحده بپردازد.» ترامپ افزود:«سئول همچنین موافقت کرده است که مقادیر زیادی نفت و گاز آمریکایی خریداری کند و سرمایه‌گذاری شرکت‌های کره‌ای در ایالات متحده نیز از ۶۰۰ میلیارد دلار فراتر خواهد رفت.»

۴- ترامپ در ماه‌های گذشته خواهان ۵۰ درصد از درآمد منابع معدنی اوکراین و حق وتو در صدور مجوزهای استخراج شده بود. رئیس‌جمهور آمریکا قبلاً گفته بود که اوکراین باید هزینه حمایت مالی و نظامی واشنگتن را با اعطای دسترسی به معادن و منابع عظیم اما استفاده نشده و عناصر کمیاب خود جبران کند. در نهایت زلنسکی قرارداد مواد معدنی [واگذاری اجباری نیمی از معادن اوکراین] را امضا کرد.

۵- «ادوارد مارکی» نماینده دموکرات و عضو ارشد کمیته منابع طبیعی مجلس آمریکا در سال ۲۰۱۱ میلادی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ام‌اس‌ان‌بی‌سی، علت اصلی حمله به لیبی را مسئله نفت خواند و گفت که ما به خاطر نفت در لیبی هستیم و دلیل دخالت ما تضمین ۵ میلیون بشکه نفت روزانه‌ای است که از اوپک وارد می‌کنیم.

۶- نشریه «لا وانگواردیا» اسپانیا در شهریور ۱۴۰۰ و به دنبال خروج نیروهای آمریکا و ناتو از افغانستان پس از ۲۰ سال حضور بی‌ثمر در گزارشی با عنوان «منابع طبیعی؛ گنج پنهان افغانستان» نوشت: افغان‌ها روی منابع معدنی نشسته‌اند که به گفته منابع دولتی افغانستان، سه تریلیون دلار ارزش دارد. هنگامی که آمریکا در سال ۲۰۰۱ به افغانستان حمله کرد، در ماه اکتبر و به فاصله چند روز از حضور نظامیان، زمین شناسان آمریکایی به افغانستان وارد شدند و چنان که در دوران اکتشافات استعماری قرن ۱۹ اتفاق افتاد، دانشمندان تقریبا همیشه جا پای ارتش گذاشته‌اند. به این ترتیب، پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکایی‌ها بلافاصله با حضور در افغانستان، به جست‌وجوی فلزات پرداختند.

به نوشته «لا وانگواردیا» آمریکا که پیش از افغانستان برای کنترل و تضمین دسترسی به نفت جنگ‌هایی به راه انداخت، افغانستان را با محروم کردن مردم این کشور از بخش قابل توجهی از «نفتِ قرن بیست‌ویکم» یعنی «مواد معدنی» ترک کرد.

۷- براساس مستندات منتشر شده و شواهد متقن، یکی از اهداف اصلی آمریکا در حمله به عراق، دستیابی به منابع غنی نفت این کشور بود.

«پالّ ولفوویتز» سیاستمدار آمریکایی و رئیس سابق بانک جهانی که از او با عنوان معمار جنگ آمریکا علیه عراق نام می‌برند، در می ۲۰۰۳ میلادی در کنفرانس خبری در حاشیه اجلاس دفاع آسیا در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چرا آمریکا کشـــوری مثل عراق را اشغال کرد نه کره شـــمالی را، گفت:«تفاوت اصلی میان کره شمالی و عراق این است که عراق روی دریایی از نفت، شناور است.»

عراق ۱۵.۹ تریلیون دلار منابع طبیعی دارد. زمین بیابانی این کشـــور سرشار از ذخایر نفت، گاز طبیعی، فسفات و گوگرد است. عراق دومین تولیدکننده بزرگ نفت در اوپک اســـت. این کشـــور به عنوان پنجمین ذخایر قطعی نفت در جهان شناخته می‌شود.

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در هفته‌های گذشته در جریان نشست شرم‌الشیخ که در مصر برگزار شد در اظهارنظری تأمل برانگیز گفت:«عراق آن قدر نفت دارد که نمی‌داند با آن چه کار کند.»!

«محمد الفاری» تحلیلگـــر سیاســـی عراقی اخیـــرا در اظهارنظری گفته است:«شرکت‌های آمریکایی که قراردادهای نفتی با اقلیم کردستان عراق بسته‌اند چیزی جز باندهای قاچاق فرآورده‌های نفتی نیستند. این به اصطلاح شرکت‌ها به صورت غیرقانونی در حال قاچاق نفت اقلیم کردستان عراق و فروش آن در بازارهای جهانی هستند.»

۸- شبکه «سی‌ان‌بی‌سی» آمریکا- ۶ خرداد ۱۴۰۴- در گزارشی پرده از جزئیات طرحی راهبردی تحت‌عنوان «احیا و توسعه بخش نفت‌وگاز سوریه» برداشت. به‌گفته سی‌ان‌بی‌سی طرح آمریکا شامل ۵ مرحله اســـت که از بازیابی و احیای چاه‌ها و میدان‌های نفتی و گازی سوریه آغاز و به صادرات نفت و گاز این کشور منتهی می‌شود.

نکته قابل توجه اینجاســـت که مســـئول اجرای این طرح کسی نیست جز «جاناتان باس»؛ شـــخصی که از وی به‌عنوان بسترساز دیدار «الجولانی» سرکرده گروه تروریستی «هیئت‌تحریرالشـــام» و رئیس خودخوانده حکومت انتقالی در سوریه با ترامپ یاد می‌شود.

فعالین رســـانه‌ای سوری تاکنون بارها نســـبت به تداوم غارت نفت و غلات سوریه توسط نظامیان آمریکایی و انتقال آن به پایگاه‌های واشنگتن در خاک عراق اعتراض کرده‌اند.

از زمان آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ تاکنون بسیاری از منابع نفتی و گازی این کشور دست‌نخورده و استخراج نشده باقی مانده، بخشی از این منابع در زمان تسلط «داعش» بر آنها به صورت ابتدائی استخراج و پس‌از قاچاق به ترکیه به قیمتی بسیار پایین که به سه دلار در هر بشکه می‌رسید، به دولت ترکیه فروخته می‌شد. میدان‌هایی هم که در دست قسد و دیگر نیروهای کُرد بود، توسط آمریکایی‌ها غارت و به خارج سوریه انتقال داده می‌شد. حالا آمریکا درصدد سر و سامان داد به غارت و چپاول نفت و گاز سوریه است.

۹- نگاهی به موارد مذکور و موارد متعدد دیگرِ که از حوصله این وجیزه خارج است، نشان می‌دهد که الگوی غارتگری آمریکا کاملاً نظام‌مند است. به عبارت دیگر، فرمول ثابت است: بی‌ثبات‌سازی، تحریم، پیشنهاد بازسازی، امضای قراردادهای طولانی‌مدت، و سپس غارت منابع.

با این همه، جریان غربگرا در داخل هنوز گمان می‌کند که می‌توان با آمریکا بر اساس «اعتماد متقابل» وارد تعامل اقتصادی شد. این طیف اصلا متوجه نیست که آمریکا هیچ کشوری را شریک خود نمی‌بیند، بلکه تنها «منبع» و «بازار» می‌بیند. در ذهن بیمار سیاستمدار آمریکایی، کشورها دو دسته‌اند: یا «مطیع و سودآور» یا «مستقل و مزاحم»

مســـتندات حکایت از آن دارد که سیاست اقتصادی آمریکا بر پایه سه اصل استوار است:«کنترل منابع انرژی و مواد معدنی»،« تسلط بر مسیرهای تجاری» و «وابسته‌سازی اقتصادها از طریق سرمایه‌گذاری و بدهی».

از یک زاویه دیگر اگر بخواهیم «سیاست خارجی» دولت تروریست آمریکا را به صورت خلاصه تعریف کنیم، باید بگوییم: جنگ، مذاکره و تحریم، سه ابزار اصلی آمریکا در پیشبرد سیاست خارجی‌اند که در ظاهر متفاوت، اما در ماهیت یکسان‌اند؛ هر سه برای تحمیل اراده و تأمین منافع غارتگرانه واشنگتن به کار می‌روند. جنگ، ابزار مستقیم غارت منابع؛ مذاکره، پوششی دیپلماتیک برای همان هدف؛ و تحریم، تداوم تجاوز با چاشنی اقتصادی است.

در چنین الگویی، مذاکره با آمریکا، در واقع ورود داوطلبانه به چرخه «غارت سازمان یافته» است. و این تنها یکی از مضرات مذاکره با آمریکاست. زیرا آمریکا در هیچ کشوری، شریک اقتصادی نمی‌سازد؛ بلکه شبکه‌ای از وابستگی مالی، فناورانه و سیاسی ایجاد می‌کند تا آن کشور در تصمیم‌گیری‌های راهبردی خود، تابع منافع واشنگتن شود و منافع آمریکا هیچ‌گاه با منافع ملت‌ها سازگار و همسو نیست.

۱۰- غربگرایان داخلی اما، این واقعیت را نمی‌بینند و وانمود می‌کنند که پیشرفت با «جذب غارتگر» ممکن است؛ در حالی که پیشرفت واقعی در دنیای امروز، نه با «بستن با دولت سلطه‌گر و غارتگر آمریکا» بلکه با تولید قدرت درونی و تعامل سازنده با کشورهای جهان از موضع برابر و به‌کارگیری دیپلماسی مقتدرانه شکل می‌گیرد.

قدرت درونی یعنی اتکا به ظرفیت‌های ملـــی در حوزه انرژی، علم، فناوری، کشاورزی و زیرساخت‌های صنعتی. کشوری که توان تولید دانش و فناوری بومی دارد، می‌تواند در تعاملات بین‌المللی از موضع اقتدار وارد شده و منافع کشور و مردم را تأمین کند. پیشرفت، با «قوی شدن» میسر می‌شود.

مسعود اکبری

خطیب‌زاده، معاون وزیر امور خارجه:

افسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل پس از پاسخ ایران فرو ریخت

معاون وزیر امور خارجه گفت: افسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل پس از پاسخ ایران فرو ریخت. متجاوز به ایران بـــدون تردید از تصمیم خود پشیمان خواهد شـــد. ما مردمی صلح‌طلب هستیم؛ اما اگر جنگ به ما تحمیل شود، خوب می‌جنگیم.

سعید خطیب‌زاده، معاون وزیر امور خارجه و رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللـــی وزارت امـــور خارجه، در گفت‌وگوی اختصاصی با شبکه تلویزیونی CTV بـــلاروس، به بررســـی مســـائل امنیتی، روابط بین‌المللی و چالش‌های جهانی پرداخت.

به گزارش ایســـنا، این گفت‌وگو در حاشیه ســـومین اجلاس ساختار امنیت اوراســـیایی در بـــلاروس انجام شـــد و خطیب‌زاده از دولت میزبان برای دعوت و برگزاری موفق این اجلاس تشکر کرد.

وی امنیـــت را برای ایـــران نه یک مفهـــوم انتزاعی بلکه تجربـــه‌ای عینی توصیـــف کرد و به حمـــلات اخیر رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران اشاره کرد و بیان داشت: در تابستان گذشته، آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران حمله کردند. در این حمله در عملیات ترور شماری از دانشمندان و فرماندهان عالی‌رتبه ما در حالی‌کـــه به همراه خانواده‌هایشـــان در نیمه‌های شـــب ترور شده و به شهادت رسیدند. آنان گمان کردند ایران تسلیم می‌شود؛ اما پاسخ ایران قاطع و کوبنده بود و دوازده روز بعد خودشان درخواست آتش‌بس کردند.

معـــاون وزیـــر امور خارجـــه ایران همچنین به اقدامات رژیم صهیونیستی در منطقـــه اشـــاره کرد و گفـــت: رژیم صهیونیســـتی در دو ســـال گذشته به کشـــورهای متعـــددی در خاورمیانـــه تجـــاوز کـــرده و بخش‌هایی از ســـوریه را اشـــغال کرده اســـت اما بـــا حمله به ایران، بزرگ‌ترین اشـــتباه تاریخ خود را مرتکب شد.

وی تاکیـــد کـــرد: افســـانه شکست‌ناپذیری اســـرائیل پس از پاسخ ایران فرو ریخت.

خطیـــب‌زاده با طرح این هشـــدار که جاه‌طلبی‌هـــای ژئوپلیتیکی آمریکا و اســـرائیل همچنان ادامه دارد، افزود: جاه‌طلبی‌هـــای ژئوپلیتیکـــی آمریکا و اســـرائیل پایان نیافته اســـت؛ آنان هیچ پایبندی به قوانین بین‌المللی ندارند. ما در ایران در پی آنیم که پیش از هر چیز از وقوع جنـــگ جدید جلوگیری کنیم، اما اگر جنگی دیگر آغاز شـــود، ایران راه دیگری ندارد مگر اینکه یک پیروزی قاطع علیه متجاوز به دست آورد. متجاوز بدون تردید از تصمیم خود پشیمان خواهد شد.

معاون وزیـــر امور خارجه در بخش دیگـــری از ایـــن گفت‌وگو بـــه تحلیل برنامه‌هـــای ایالات متحـــده پرداخت و اظهار داشت: پیش از هر چیز باید ببینیم برنامه ایالات متحده چیست و چه چیزی در سر دارند. امروز آمریکا آشکارا از ابزار زور علیه دیگر کشورها استفاده می‌کند و در عریان‌تریـــن حالـــت چندین دهه گذشـــته خود در استفاده از زور بر علیه دیگران است. هدف اصلی آمریکا تضمین هژمونی و سلطه بر دیگر کشورها از طریق قدرت نظامی اســـت. تبدیل وزارت دفاع بـــه «وزارت جنگ» در همین چارچوب قابل فهم است.

وی به اظهارات ترامپ اشاره کرد و گفت: ترامپ در تلویزیون صریحاً گفت که ایـــالات متحده دیگـــر نمی‌خواهد طبق قوانیـــن بین‌المللـــی و مبتنی بر اصول سیاســـی صحیح رفتار کند، بلکه تنها می‌خواهد به هـــر قیمتی «پیروز» میدان باشـــد. در اظهارات اخیر خود از کشتار مردم ونزوئلا به عنوان یک اتفاق طبیعی نام برد، مردم فلسطین را تهدید کرد که برایشان جهنم به‌پا خواهد کرد و نسل‌کشی اتفاق افتاده را معمولی جلوه داد. این رفتارها نشان می‌دهد که وضعیت قبلی و نظم جهانی که می‌شـــناختیم، به واســـطه اقدامات آمریکا و متحدانش به‌کلی تغییر کرده است. آمریکا و کارگزار منطقه‌ای‌اش، اسرائیل، تجدیدنظر طلب فعال شده‌اند.

خطیب‌زاده بر لزوم مقاومت جمعی تاکید کـــرد: آنها دیگر بـــه هیچ ارزش اخلاقی، سیاســـی یا بین‌المللی پایبند نیســـتند. برای ما، برای بلاروس، برای چین و روسیه و دیگر کشورهای مستقل جهان، این به معنای آن اســـت که نباید اجازه دهیم آینده‌مان به بازی گرفته شود. ما نمی‌توانیم اجازه دهیم آنها با سرنوشت ملت‌هایمان قمار کنند. راهی جز مقاومت و ایســـتادگی نداریم. متجـــاوزان تصور می‌کنند می‌تواننـــد «جهان جنوب» را وادار به تسلیم کنند، اما اشتباه می‌کنند.

وی افزود: از آنجـــا که رویکرد آنها راهبردی برای بازنویســـی نظم جهانی اســـت، نمی‌توانیـــم در برابـــر چنیـــن سیاست‌هایی به‌صورت انفرادی و مقطعی و یا تاکتیکی واکنش نشان دهیم. باید با هم متحد شویم و راهبردی مشترک اتخاذ کنیم. تنها در آن صورت می‌توانیم در برابر رقیب پیروز شویم.

معاون وزیر امور خارجه به سخنان رئیس‌جمهور بلاروس اشاره کرد و گفت: آنچه آقای لوکاشنکو در کنفرانس گفت، بســـیار مهم است. ســـازمان‌هایی مانند بریکس، ســـازمان همکاری شانگهای و کشـــورهای «جهان جنـــوب» باید این آگاهـــی را به اقدام تبدیل کنند تا طرف مقابل را وادار به عقب‌نشینی نمایند.

وی تصریح کرد: ما هیچ‌گاه به دنبال تقابل نبودیم، اما آنها مسیر تقابل را در پیش گرفتند. در میانه مذاکرات بودیم، ولی با اقداماتشـــان مسیر دیپلماسی را تغییـــر دادند و به ما حملـــه کردند. ما مردمی صلح‌طلب هستیم؛ اما اگر جنگ به ما تحمیل شـــود، خوب می‌جنگیم. ایران کهن‌ترین تمدن زنده جهان است و در روابط بین‌المللی تنها زبان احترام و عدالت را می‌پذیرد.

خطیـــب‌زاده درخصـــوص برنامه هســـته‌ای ایران گفت: بـــلاروس از حق مشروع کشورها در دستیابی به انرژی و توسعه فناوری هسته‌ای حمایت می‌کند و مـــا از این موضع اســـتقبال می‌کنیم. این موضع، اصولی و عادلانه است. میان کشورهایی که برای خود «حق مطلق» قائل می‌شوند و کشورهایی که به‌دلایل سیاسی از حقوق خود محروم می‌شوند، تفاوتی در استفاده صلح‌آمیز از فن‌آوری هسته‌ای قائل نمی‌شـــویم. از حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای قاطعانه دفاع می‌کنیم.

وی تاریخچه برنامه هسته‌ای ایران را یادآور شد و افزود: برنامه هسته‌ای ایران در دوران پیش از انقلاب اســـلامی ایران و با کمک آمریکا آغاز شـــد؛ آمریکایی‌ها دانشـــمندان ایرانی را آموزش دادند. اما پس از انقلاب، همین کشـــور مانع ایران شـــد. ایران عضو معاهده منع گسترش ســـلاح‌های هسته‌ای است، در حالی که رژیم صهیونیستی حتی عضو این پیمان نیست و زرادخانه هسته‌ای خود را پنهان نمی‌کند.

معـــاون وزیـــر امـــور خارجـــه به بازرســـی‌های آژانس اشاره کرد و گفت: هنگام حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، ۲۲ بازرس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران حضور داشتند و در همان زمان مشـــغول فعالیت بودند. بیشترین حجم بازرسی‌های تاریخ آژانس در ایران انجام شد و هیچ انحرافی یافت نشد. مدیرکل آژانس نیز دو هفته پیش تأیید کرد که پیـــش و پس از آن حملات هیچ تخلفی مشاهده نشده است.

وی تاکیـــد کـــرد: آنـــان به‌خوبی می‌دانند که ایران به دنبال تولید سلاح کشتارجمعی نیست. مشکل اصلی‌شان این است که استقلال ایران را نمی‌پذیرند و نمی‌توانند با کشوری مستقل رابطه‌ای برابر داشته باشند. هدفشان فقط این است که ایران در موضع ضعف قرار داشـــته و نتوانـــد از خود دفاع کند. آنها می‌گویند: یا با ما باشـــید و طبق شرایط ما، یا اگر نه، هیچ حق و امکانی نخواهید داشـــت. پاسخ ایران روشـــن است: ما اقمار هیچ قدرتی نیســـتیم، کما اینکه برای خود نیز قمری نمی‌خواهیم. اجازه نمی‌دهیم با زبان زور با ما ســـخن گفته شـــود. ما مرزها، حقوق و توان خود را می‌شناسیم و به آن باور داریم.

اولیانوف:

ایران، خود درباره آینده برنامه هسته‌ای‌اش تصمیم‌گیری می‌کند

مقـــام ارشـــد روس تاکید کرد؛ ســـران جمهوری اسلامی ایران خود دربـــاره آینده برنامه هسته‌ای کشورشان و توسعه آن تصمیم‌گیری خواهند کرد.

«میخائیل اولیانوف» نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین روز یک‌شنبه ۱۱ آبان اظهار داشت: هیچ محدودیتی در این مورد (فعالیت هسته‌ای) وجود ندارد، مشروط بر اینکه چنین فعالیت‌هایی منحصراً برای اهداف صلح‌آمیز انجام شود و تحت نظارت مؤثر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد.

بـــه گـــزارش ایســـنا، وی کـــه با خبرگـــزاری ریانووســـتی گفت‌وگو می‌کرد در پاســـخ به سؤالی مبنی بر اینکـــه آیا تهـــران با توجه بـــه از بین رفتن محدودیت‌های رسمی می‌تواند گام‌های بیشـــتری در توســـعه برنامه هســـته‌ای خود بـــردارد، تصریح کرد: اینکه آیا ایران گام‌های بیشـــتری در توسعه برنامه هسته‌ای خود برخواهد داشـــت یا خیر، هنوز مشخص نیست. این موضوع توسط خود مقامات ایرانی تعیین خواهد شد. اولیانوف ادامه داد: در اصل، پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) هیچ محدودیت یا ممنوعیت ســـخت‌گیرانه‌ای را در نظر نمی‌گیرد، مشروط بر اینکه فعالیت‌های هسته‌ای منحصراً برای اهداف صلح‌آمیز انجام شود و تحت نظارت مؤثر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد.

بنا بر این گزارش، قطعنامه ۲۲۳۱ شـــورای امنیت ســـازمان ملل متحد، ســـندی که توافق هسته‌ای با ایران در ســـال ۲۰۱۵ را تأیید و سازوکارهایی را برای نظـــارت بین‌المللی بر اجرای آن ایجـــاد کـــرده بود در مـــاه اکتبر منقضی شد.

گفت و شنود

خوشتون اومد؟!

گفت: آقای ظریف در دفاع از برجام پرسیده است؛ «باید بگویید اگر برجام نبود چه می‌شد»؟!

گفتم: پاسخ این سؤال که معلوم است، قرار بود با برجام تحریم‌ها لغو شود که دو برابر و نیم شد! امکانات و ظرفیت‌های کشور بر باد رفت و... ولی بهتر است پاسخ سؤال آقای ظریف را از اوباما و جان کری بشنویم. مگر نه این‌که گفته‌اند «فضل آن است که دشمنان آن را تأیید کنند»؟

گفت: خُب حالا اوباما و جان کری در این باره چه گفته‌اند؟

گفتم: اوباما می‌گوید اگر برجام نبود؛ «ایران را در صندلی راننده نشانده بودیم و در آن صورت تحریم‌ها فرو می‌ریخت و نتیجه‌ای عاید ما نمی‌شد»! و گفته اســـت؛ «ایران به بخشی از آن ۵۶ میلیارد دلار دارائی‌اش می‌رســـید و اقتصادش پیشرفت می‌کرد» و جان کری هم گفته اســـت؛ «متحدان ما حاضر به همراهی بیشتر با آمریکا نبودند و حذف بانک‌های بزرگ، اقتصادمان را به شدت آسیب می‌رساند و دلار آمریکا دیگر خاصیتش را به عنوان ذخیره ارزی دنیا از دست می‌داد».

گفت: با این همه خسارتی که به بار آورده‌اند و با این همه اعتراف دشمن به کلاه گشادی که بر سر ظریف و دولت روحانی گذاشته‌اند، هنوز هم طلبکارند؟!

گفتم: شـــخصی دورخیز کرد که با یک جهش ســـوار اســـب بشـــود ولی محکم به زمیـــن خورد. رو به جماعت کرد و پرســـید؛ خوشـــتون اومد؟! گفتند؛ اعتماد به نفس شما را اگر کاکتوس داشت سالی ۵ مرتبه آلبالو می‌داد!

علی لاریجانی:

سر عقل آوردن دشمن با امتیازدهی بی‌قیدوشرط ممکن نیست

دبیر شورای عالی امنیت ملی با بیان اینکه خواست‌های دشمن انتها ندارد و نیازمند یک مقاومت ملی است، گفت: سرِ عقل آوردنِ دشمن با امتیازدهی بی‌قیدوشرطِ ممکن نیست.

علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملـــی روز یکشـــنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۴ در نشســـت بـــا اصحاب علوم انســـانی با بیـــان اینکه تمـــام هدف دشمن، این است که اراده ملت ایران را بشـــکند، گفت: می‌گویند که نباید مسئله هســـته‌ای و غنی‌سازی داشته باشـــید، فرصت‌طلب هستند، چرا که یک زمانی خودشـــان می‌گفتند ایران می‌تواند غنی‌سازی کند.

بـــه گـــزارش ایرنـــا، وی افزود: می‌گویند غنی‌ســـازی نداشته باشید، بُرد موشـــک‌ها را کاهش دهید و در منطقه همان چیزی را اجرا کنید که ما می‌گوییم، خواست‌های دشمن انتها ندارد و نیازمند یک مقاومت ملی است.

دبیر شـــورای عالـــی امنیت ملی اظهار داشت: سرِ عقل آوردنِ دشمن با امتیازدهی بی‌قیدوشرط ممکن نیست.

لاریجانـــی خاطرنشـــان کـــرد: نمی‌گوییم کـــه مذاکره نمی‌کنیم اما مذاکره باید واقعی باشد.

دبیر شـــورای عالی امنیت ملی با بیان اینکه آمریکا در لبنان نماینده‌ای به نام «باراک» دارد که نیات آمریکا را بیان می‌کند، اظهار داشت: همان روز نخست که آمد اعلام کرد که ۶۰ روز بیشتر زمان ندارید و باید خلع سلاح حـــزب‌الله عملیاتی شـــود، اما متوجه شد که اینجا نمی‌تواند دستور بدهد و لذا عصبانی شـــد. اخیرا نیز اعلام کرد که آخرین بار اســـت، یا حرف‌های ما را گوش می‌دهید و یا اینکه اســـرائیل حمله خواهد کرد.

وی بـــار دیگر با تاکیـــد بر اینکه کسی نمی‌گوید که مذاکره نمی‌کنیم اما نباید ســـاده‌اندیش باشیم، گفت: مذاکره یک روش اســـت اما به وقت درســـت باید انجام شـــود. تلقی این نیست که جمهوری اسلامی به دنبال مذاکـــره نکردن اســـت، مـــا مذاکره می‌کردیم که دشمن وارد جنگ شد.

خبر ویژه

از طالبان‌هراسی موهوم تا اشک تمساح برای گرانی

وزیر ارتباطات دولت حســـن روحانی و قائم‌مقام ســـتاد تبلیغاتی مســـعود پزشکیان که در انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ خود را به آب و آتش می‌زد؛ این روزها حال و هوای جالبی دارد!

جواد آذری جهرمی که ظاهرا از کسب مقام و مسئولیت در دولت پزشکیان بی‌نصیب مانده، چند صباحی اســـت در قامت منتقد جلوه کرده و به مزه‌پرانی علیه دولتی که خودش از عوامل روی کار آمدنش بوده، می‌پردازد. او در تازه‌ترین نمونه، افزایش عجیب و سرســـام‌آور قیمت محصولات کشاورزی مانند کاهو را تا کیلویی ۸۰ هزار تومان دســـت‌مایه قرار داده و نوشـــته است: «کاهو کیلویی ۸۰ هزار تومان! همه چیز دلاری شـــده جـــز حقوق کارگرها و کارمندان، البته جای نگرانی نیســـت. مســـئولین محترم، مرتبا جلسه می‌گذارند و خب نتیجه نمیده دیگه مشکل اونها نیست...»

این ژســـت نچسب دلســـوزی برای کارگران و کارمندان و مردم در حالی است که مردم هنوز یادشان نرفته همین یک سال پیش بود که او برای ریاست جمهوری مسعود پزشکیان گریبان چاک می‌داد و می‌گفت:

- «پزشکیان با رفع تحریم و حذف ۳۳درصد هزینه مازاد معاملات به‌خاطر اثرات تحریم (معادل ده‌ها میلیارد دلار در ســـال) که به جیب کاسبان تحریم می‌رود و بازپرداخت آن به ملت، کسری بودجه را جبران می‌کند نه با افزایش قیمت بنزین مثل طرح وان دولت رقیب.» (۱۰ تیر ۱۴۰۳) «عدالت و ســـفره واحد برای همه، دیدگاه اصلی دولت پزشـــکیان اســـت. با این دیدگاه، کاسبان تحریم و دارندگان سفره از ما بهتران باید نگران باشند نه مردمی که به دنبال حداقل حقوق خود مثل مسکن یا وام ازدواج یا تسهیلات بازنشستگی یا معوقات معلمین و... هستند.» (۱۲ تیر ۱۴۰۳)

- «دولت پزشـــکیان دولت در آفتاب خواهد بود و آرامش و سایه را برای مردم خواهد خواست.» (۱۳ تیر ۱۴۰۳)

آقای آذری جهرمی پیش از مزه‌پرانی‌های‌شان یک عذرخواهی بزرگ به مردم شـــریف ایران بدهکارند، چون بی‌برنامگی را در انتخابات با تبلیغات فریبکارانه، تحلیل‌های متوهمانه و ادعاهای خلاف واقع آراستند و در قامت حلّ مشکلات به مردم فروختند.

گفتنی اســـت آقای پزشـــکیان تاکنون چندبار بیان کرده که قصد ریاست جمهوری نداشت و صرفا برای گرم کردن تنور انتخابات پا به رقابت‌های گذاشته و اینکه «خودم هم نمی‌دانم چطوری اینجوری شد!»

آذری‌جهرمی مدتی پیش با اشـــاره به همین بی‌برنامگی دولت پزشـــکیان نوشته بود: «ساید انفعال(بی‌تصمیمی و بی‌عملی) از سایه جنگ و تحریم بدتر است. دولت بعد از یک سال هنوز نمی‌داند چه می‌خواهد! خواستن «همه چیز با هم» تفاوتی با «نخواستن هیچ‌چیز» ندارد.»

اطفال سیاســـت‌زده؛ عرصه رقابت انتخاباتی ریاســـت جمهوری را در حد شهرآوردهای ورزشی پایین آوردند و به جای آنکه دغدغه تعالی و پیشرفت ایران اسلامی را از رهگذر انتخابی صحیح داشته باشند؛ تمام همّ و غم‌شان چیرگی بر رقیب سیاسی‌شان در بازی کسب قدرت بود و برای این هدف‌گذاری کودکانه از هیچ فریب، اظهارات خلاف‌واقع و رقیب‌هراسی فروگذار نکردند. اکنون که مردم طعم تلخ بی‌برنامگی و ناتوانی آنها در اداره کشور را می‌چشند؛ آذری‌جهرمی و هم‌قطارانش بدون آنکه به روی خودشان بیاورند مسببان وضع موجود هستند، ژست دلسوزی و طلبکاری گرفته‌اند.

یادآور می‌شود جهرمی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری با برچسب‌زنی به رقیبان و ترور شـــخصیت، توئیت زده بود: «نخواهیم گذاشت ایران به دست طالبان بیفتد»!

وقتی غربگرایان در درز دیوار هم دنبال مذاکره با آمریکا می‌گردند!

تیتـــر روزنامه ســـازندگی (ارگان حـــزب کارگزاران) درباره نتایج جلســـه ترامپ و شـــی با عنوان «پیروزی دیپلماسی» نشانه نگرش موهوم و غیر واقعی غربگرایان است.

دربـــاره این تیتر، روزنامه عصر ایرانیان نوشـــت: غربگرایـــان از عینکی به تحولات بین‌الملل نگاه می‌کنند که در بهترین حالت، برای چند دهه قبل است و نمی‌تواند تحولات دنیای امروز را فهم کند. در نتیجه این وضعیت حرف‌های آنها غیرواقعی اســـت و موجب ایجاد ادراک اشـــتباه می‌شود. می‌توان گفت که آنهـــا به مردم درباره بزنگاه تغییر نظـــم دروغ می‌گویند. مثلا همین تیتر را در نظر بگیرید. مخاطب چه چیزی از این تیتر متوجه می‌شود؟ اینکه چالش میان آمریکا و چین با گفت‌وگو و مذاکره حل شده است. پس «پیروزی دیپلماسی» اتفاق افتاده است. یعنی شدیدترین چالش‌ها با مذاکره و دیپلماسی حل می‌شود.

ولی نکته جالب این است که این نگاه غیرواقعی و برآمده از عشق فراوان به غرب، مخصوص غربگرایان است و در دنیا این وضعیت نیست. وقتی رسانه‌های اصلی دنیا را بررســـی کنیم، با اینکه اکثر آنها غربی هســـتند و نسبت به منافع غرب تعهد دارند، اما صحبت از «پیروزی دیپلماســـی» نمی‌کنند. عمده آنها از «آتش بس موقت» و یا «عقب‌نشـــینی موقت» یاد کردند. چرا که میزان و حد تنش‌های میان چین و آمریکا برای همه روشـــن اســـت. بـــه عبارت بهتر اکثر تحلیلگران متوجه تغییرات بنیادی در معادلات قدرت و نظم بین‌الملل شده‌اند و می‌دانند در این شـــرایط صحبت از پیروزی دیپلماســـی یک حرف بی‌ربط و خنده‌دار و صرفا مخصوص جریان غربگرای ایرانی اســـت. آنهائی که از هر درز دیواری به دنبال حاصل کردن مذاکره و توافق با آمریکا هستند.

خوب اســـت غربگرایان ایرانی کمی مطالعات خود را افزایش دهند و تلاش کنند اگر عمدی در کار ندارند، فهم خود را از موضع پیچیده تغییر نظم بین‌الملل و لحظـــه‌ای که در آن قرار داریم، افزایـــش داده و به مخاطب خود حرف غلط ارائه ندهند. یکی از مقالات خوب مقاله‌ای است که در همین چند روز گذشته در وب‌سایت فارین افرز منتشر شده است. عنوان مقاله «ساختار بر عاملیت در روابط آمریکا و چین می‌چربد» است. این مقاله به بررسی رقابت چین و آمریکا می‌پردازد و همان‌طور که از عنوان مقاله مشـــخص اســـت، نویسنده ساختار را نســ